

نگاهی به سوابق سیاست توسعه طلبی روس ها قبل از کودتای ثور

(قسمت اول)

افغانستان در محراق رقابت های روسیه تزاری و امپراتوری انگلیس

قبل از جنگ ۱۹۱۹ افغان و انگلیس که در نتیجه آن افغانستان به استقلال کامل دست یافت، و قبل از پیروزی انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ روسیه که بلشویک ها را بقدرت رساند، افغانستان در مرکز رقابت های دو امپراتوری و قدرت بزرگ عصر یعنی انگلیس و روسیه تزاری قرار داشت، که در تاریخ بنام بازی بزرگ (The Great Game) ثبت شده است. گرچه این قدرت های بزرگ نتوانستند افغانستان را تحت اشغال مستقیم خود در آورند، اما هم روس ها و هم انگلیس ها نتوانستند قسمت های از خاک افغانستان را جدا سازند و در حقیقت سرحدات افغانستان را همین دو قدرت تعیین کردند.

سیاست توسعه طلبی دولت تزاری روس از قرن شانزدهم یعنی دوران ایوان سوم (Ivan III) در سال ۱۵۰۵ آغاز و تا پترکبیر (Peter I یا Pyotr Alexeyevich Romanov) در سال ۱۷۲۵ میلادی ادامه یافت. روسیه درین دوران با استفاده از سیاست استعماری اش به بزرگترین کشور جهان تبدیل شده و در سال ۱۷۲۱ میلادی رسماً به امپراتوری روسیه مسما گردید.

حدود چهل سال بعد از تشکیل امپراتوری روسیه در شمال افغانستان، در جنوب افغانستان نیز امپراتوری استعمارگر انگلیس در قاره هند مسلط شد، و برای تسلط بر کشورهای دیگر و پیشرفت به مرزهای روسیه دو بار بر افغانستان لشکر کشید و با مقاومت شدید و مبارزه مردم افغانستان در جنگهای اول و دوم افغان و انگلیس روبرو شد که خود داستان دیگر و بیرون از موضوع این تحقیق است، و بدین ترتیب افغانستان در محراق رقابت های دو ابر قدرت روسیه و انگلیس قرار گرفت.

آرزوی پتر کبیر در رسیدن به منابع طبیعی هند و آبهای گرم بحر هند، خیلی قبل از تسلط بلشویکها در روسیه، افغانستان را در صدر توجه امپراتوری روسیه قرار داد. در آغاز قرن ۱۹ حکومت روسیه تصمیم گرفت اطلاعاتی درباره افغانستان گردآوری نماید و تماس های با فرمان روایان آن برپا نماید. بعد از استقرار در آسیای مرکزی (۱)، پاول اول (Paul I) امپراتور روس در سال ۱۸۰۰ با ناپلیون بوناپارت فرانسه ائتلاف نموده پلان حمله مشترک بر هند بریتانوی را طرح نمود. پروژه اورنبرگ یا کمپاین هند در جنوری ۱۸۱۰، توسط پاول اول، آغاز شده، به جنرال اورلوف امر شد از اورنبرگ، و بخارا و خیوا با ۲۲ هزار عسکر و ۲۴ توپ مارش کند. انگلیسها که نمیخواستند سرمایه گذاری کمپنی شرقی شانرا در هند از دست بدهند، نخست در ۲۴ دسامبر ۱۸۰۰ کوشیدند ناپلیون را از بین ببرند و بعد از ناکامی این تلاش شان توطئه کشتن تزار روس را تمویل کردند. واقعات سه ماه اول سال ۱۸۰۱ خطرات بزرگی را متوجه امپراتوری استعماری بریتانیا ساخته بود. اما جنرال روسی هنوز به اورنبرگ نرسیده بود که امپراتور پاول اول به تحریک سفير انگلیس (کنت دوپالهن) شب ۱۱ ماه مارچ ۱۸۰۱ از طرف افسران نظامی پتروگراد و همراهی پسرش در اطاق خواب خود در قصر سن میکایل شهر سن پیترزبورگ کشته شد، و نقشه حمله بر هند از راه افغانستان به اثر توطئه انگلیس ها ناکام شد، و یکی از اولین فرامین امپراتور جدید روسیه، الکساندر، هم امر توقف حمله بر هند بریتانوی بود.

دولت تزاری روس بار دیگر بعد از آنکه ایران را به زور سر نیزه و معاهدات گلستان و ترکمانچای تحت نفوذ خود درآورد، در صدد آن شد که توسط ایران و به نام ایران در افغانستان نفوذ سیاسی نماید (۲). در تلاش های سال ۱۸۳۷ حکومت محمد شاه قاجار برای تسخیر هرات، در قوای حمله آور ایرانی مشاورین و قطعات عسکری روسی نیز شامل بودند. به گفته روانشاد غبار "دولت روس دولت ایران را بغرض استیلاي هرات سوق نمود و حکام هرات را تطمیع کرد که هرات به قندهار الحاق خواهد شد، و ایران را وعده داد که هرات و قندهار هر دو زیر نفوذ ایران قرار خواهد گرفت. این تنها نبود، بلکه دولت روس مصمم شد که کابل [امیر دوست محمد خان] را با نشان دادن باغهای سرخ و سبز و وعده استرداد پشاور، در مدار دیپلوماسی و نفوذ خود درآورد و کابل را برای تجزیه کشور افغانستان بدست ایران، رفیق راه خود قرار دهد. کنت سیمونچ سفير روس بدربار ایران لمحۀ از تطبیق این نقشه نیاسود (۳).

انگلیس ها میخواستند قبل از آنکه روس ها در آسیای مرکزی تا دریای آمو برسند، خود تا سواحل آمو رسیده باشند. لذا در بهار سال ۱۸۳۹ بر افغانستان حمله نمودند، که منجر به جنگ اول افغان و انگلیس شد.

دپانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

در دهه ۶۰ و ۷۰ سده نهم اقدامات تهاجمی روسیه در اسبای مرکزی ادامه داشته سرزمین های پهناوری از دریای اورال تا پامیر و از دریای خزر تا کوه های تیان شان را به روسیه ملحق ساختند. درین هنگام تاجیک ها، قزاقها، ترکمن ها قرغیز ها دولت نداشتند و در آسیای مرکزی تنها سه دولت فنودالی فرمانروائی میکرد: خان نشین خبوا، خان نشین خوقند و امیر نشین بخارا. روس ها به سرعت شهر های ترکستان را گرفتند. در ماه جون ۱۸۶۵ بزرگترین شهر اسبای مرکزی تاشکند را اشغال و در ماه جنوری ۱۸۶۸ با خان نشین خوقند قرارداد تجارتي را امضا و در ماه بعد خدایار خان حاکم خوقند خود را زیر فرمان امپراتور روسیه اعلام کرد. در ماه می همین سال جنرال کاوفمن سمرقند را گرفته بطرف بخارا نزدیک میشد، که امیر بخارا ناگزیر به جنگ خاتمه داده و تحت الحمایگی روسیه را قبول کرد (۴).

از اهداف مهم سیاست استعماری انگلیس در منطقه یکی هم دفاع از منافع شان در نیم قاره هند و مهار کردن آرمانهای توسعه طلبی روسیه در رسیدن به آبهای گرم بحر هند بود که بخشی از "بازی بزرگ" را تشکیل میداد. کسترش نفوذ روسیه در آسیای مرکزی سبب شد تا انگلیس ها نیز گامهای متقابلی بردارند. جاسوسان انگلیس به آسیای مرکزی رخنه کرده تلاش ورزیدند زمینه را برای تبدیل این سرزمین پهناور (که در همسایگی روسیه قرار داشت و بازار طبیعی فروش کالا های روسی بود) به بازار فروش کالا های انگلیسی و تخته خیز برای اقدامات خصمانه در برابر روسیه فراهم نمایند. توجه حکومت روسیه هم به آرزوی برپایی مانع بر سر راه رخنه انگلیس در آسیای مرکزی، به افغانستان به عنوان طبیعی ترین مانع موجود برای جدا نگهداشتن هند از آسیای میانه جلب گردید (۵).

در دوره سلطنت دوم امیر شیرعلی خان، پیشروی روسها بطرف سرحدات افغانستان بر نگرانی دولت انگلیس افزود. انگلیس ها برای جلوگیری از برخورد منافع دو ابر قدرت، طرح ایجاد یک منطقه بی طرف میان متصرفات آسیائی روسیه و انگلستان را پیشنهاد نمودند. آنها برای تعیین سرحدات افغانستان و روسیه یک نفر نماینده سیاسی خود را به روسیه فرستادند تا در مورد سرحدات شمالی افغانستان با مقامات آن کشور گفتگو و مذاکره نماید. این مذاکرات از سال ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۳م حدود چهار سال طول کشید و بالاخره در سال اخیر دولت روسیه آمادگی خود را برای تعیین خط سرحدی نشان داد و بر اثر آن نمایندگان روسیه و انگلیس شهزاده گورچاکوف (Prince Gorchakove) وزیر خارجه روس و لاردر گرانویل (Lord Granville) وزیر خارجه انگلستان خط سرحدی را که از دریای ویکتوریا (زورکول یا زور قل) تا خم آب امتداد دارد تعیین و تثبیت کردند. با تثبیت این خط سرحدی که طول آن (۱۸۰۰) کیلومتر میباشد و دریای آمو را دربر میگردد، دولت روس با دولت انگلیس، بدون آنکه مدعیان اصلی یعنی دولت افغانستان و امارت بخارا از موضوع تعیین سرحدات آگاه باشند، موافقه نمود که افغانستان از روشن و شغنان و بخارا از بدخشان و واخان صرف نظر نماید و مرو و اراضی ترکمن نشین اطراف آن خارج از خاک افغانستان باشد، و افغانستان را خارج منطقه نفوذ خود بشمارد.

روس ها در دوران امارت امیر عبدالرحمن خان، برخلاف توافق نامه سال ۱۸۷۳، یکبار دیگر به پیشروی شان بطرف جنوب ادامه داده در ۱۴ فیوروری ۱۸۸۴ به مرو پیشروی نموده و در سال ۱۸۸۵ مناطق پنجاه و آق تپه افغانستان را اشغال نمودند. بعد ازین واقعه و تلگرام تهدید امیز ملکه انگلستان به الکساندر دوم، تزار روس، عساکر روسی از پیشروی بیشتر به خاک افغانستان خود داری نموده حاضر شدند نماینده خود را برای مذاکرات تعیین سرحد شمال غربی افغانستان به لندن فرستند. مذاکراتی که به قرارداد سال ۱۸۸۷ بین هند بریتانوی و روسیه تزاری انجامید و به اساس آن خط سرحدی ریجوی تعیین و نواحی دیگر از سرزمین ما نیز مجزا گردید (۶).

روس ها در اوایل قرن بیستم، بعد از شکست در مقابل جاپان، یکبار دیگر از پیشروی و حمله بر هند دست برداشته و بارقیب انگلیسی خود معاهده مشهور ۱۹۰۷ را امضا نموده، قبول کردند که افغانستان را خارج ساحة نفوذ خود دانسته، هیچ نماینده به افغانستان نفرستاده و در امور سیاسی مربوط به افغانستان به حکومت انگلیس مراجعه نمایند. این قرارداد که مسأله تجزیه ایران بین دو امپراتوری استعمارگر را نیز در بر میگرفت، با روی کار آمدن بلشویک ها و ابلاغیه رسمی وزیر دفاع بلشویک ها لئو تروتسکی لغو شد.

(ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ

۱. منطقه آسیای مرکزی از چند امارت تشکیل گردیده بود که مشهور ترین آنها بخارا، خوقند (فرغانه) و خبوا بودند.
۲. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، افغانستان در مسیر تاریخ. چاپ سوم، ص ۴۹۴.
۳. همانجا

۴. پارسیدس، موسی - ترجمه عزیز آریانفر (۲۰۰۱)، تجاوز بی آزمانه: پیرامون تجاوز شوروی بر ایران و بخارا در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۲۱. مرکز نشراتی میوند، صفحات ۱۶-۱۸.
۵. ولودارسکی، میخائیل - ترجمه عزیز آریانفر (۲۰۰۱)، شوروی ها و همسایه های جنوبی شان، ص ۳۵.
۶. عارض، غلام جیلانی (۲۰۰۳)، سرحدات و تقسیمات اداری افغانستان در طول تاریخ، ص ۵۶.